

تحلیل فقهی ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی

سید مصطفی سعادت مصطفوی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

چکیده

از ظاهر ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی چنین مستفاد است که دایره تأثیر رضاع، محرمات نسبی است؛ یعنی هر ازدواجی در حوزه روابط نسبی ممنوع است در معادل و نظیر رضاعی آن هم حرام و باطل است؛ اما مسئله مهم در این رابطه حدود و ثغور این تأثیر است. سؤال اصلی این جستار این است که آیا در تمامی مواردی که در رابطه نسبی نکاح باطل است، در رابطه رضاعی معادل آن هم، ازدواج حرام است؟ یا می‌توان برای آن محدودیتی در نظر گرفت، به طوری که موردی باشد از نظر نسبی ازدواج حرام باشد اما از نظر رضاعی ازدواج دارای مشکل و ممنوعیتی نباشد. به دیگر سخن آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف «يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يُحْرَمُ مِنَ النَّسَبِ» منحصر به عناوین محرم مصرح در نصوص شرعی است یا شامل عناوین دیگری که از آن‌ها نامی به میان نیامده، ولی باین وجود در حرمت نکاح آن در نسب تردید وجود ندارد هم، می‌شود. دستاورد این تحقیق انحصار و محدودیت حرمت رضاعی در موارد خاص از محرمات نسبی است؛ بنابراین مواردی وجود دارد علی‌رغم حرمت نسبی معادل و نظیر رضاعی آن مشمول حرمت نکاح نمی‌شود.

واژگان کلیدی

رضاع، مرضعه، مرتضع، نسب، مصاهره، حرمت ازدواج

مقدمه

یکی از موجبات حرمت و بطلان نکاح در شریعت اسلام «رضاع» است چنانچه در آیه شریفه ۲۳ سوره نساء در رابطه با موارد حرمت ازدواج می‌فرماید:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

حرام شده است بر شما (ازدواج با) مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آن‌ها آمیزش جنسی داشته‌اید- و چنانچه با آن‌ها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آن‌ها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده چراکه خداوند، آمرزنده و مهربان است.

در سببیت رضاع در حرمت نکاح، دو بحث اساسی مطرح است: ۱. محدوده تأثیر رضاع در حرمت نکاح ۲. ارکان و شرایط تحقق رضاع، اما آنچه در این نوشتار محور تحقیق است دایره تأثیر رضاع با وجود همه ارکان و شرایط تحقق آن است. سؤال اصلی و مهم در این رابطه این است که قاعده رضاع نسبت به چه روابط نسبی عامل نشر حرمت است؟

این سؤال از آنجا مورد توجه است که در روایات و نصوص شرعی ما این عبارت «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» که حاکی از تأسیس قاعده‌ای کلی در این زمینه است، آمده است.

همین معنا در صدر ماده ۱۰۴۶ ق.م.تبلور یافته است: «قربان رضاعی از حیث حرمت نکاح، در حکم قربان نسبی است...»

از ظاهر این عبارات چنین مستفاد است که دایره تأثیر رضاع، محرمات نسبی است؛ یعنی هر ازدواجی که در حوزه روابط نسبی ممنوع است، در معادل و نظیر رضاعی آن هم

حرام و باطل است؛ اما مسئله مهم در این رابطه حدود و ثغور این تأثیر است؛ مثلاً اگر زنی پسری را با شرایط خاص شیر دهد این زن مادر رضاعی او محسوب است، اما آیا ازدواج برادر نسبی آن پسر با آن زن (مرضعه) حرام است؟ به دیگر سخن این زن که مادر رضاعی طفل است به منزله مادر رضاعی برادر او نیز هست؟ تا ازدواج با او حرام و ممنوع باشد؟ چون در چنین حالتی در روابط نسبی قطعاً ازدواج برادر آن طفل با مادر نسبی او ممنوع و حرام و مصداق «ما یحرم من النسب» است.

یا اگر زنی پسر شخصی را شیر دهد و آن زن یا شوهر او (صاحب اللبن) دارای دختر باشد، آیا ازدواج پدر آن پسر با آن دختر که خواهر رضاعی فرزندش است، حرام است؟ چون ازدواج با خواهر فرزند در حالت نسب حرام و مصداق بارز «ما یحرم من النسب» است.

برای تبیین بیشتر مسئله می‌توان این سؤال را به‌عنوان اصلی‌ترین محور این جستار مطرح نمود که آیا در تمامی مواردی که در رابطه نسبی نکاح باطل است، در رابطه رضاعی معادل آن هم، ازدواج حرام است؟ یا می‌توان برای آن محدودیتی در نظر گرفت به‌طوری که موردی باشد که از نظر نسبی ازدواج حرام باشد اما از نظر رضاعی ازدواج دارای مشکل و ممنوعیتی نباشد؟ به دیگر سخن آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» منحصر به عناوین محرم مصرح در نصوص شرعی است، یا شامل عناوین دیگری که از آن‌ها نامی به میان نیامده ولی باین‌وجود در حرمت نکاح آن در نسب تردید وجود ندارد هم می‌شود.

۱. بررسی حقوقی

به سبب طرح قاعده رضاع در قانون مدنی در ماده ۱۰۴۶ برخی از حقوقدانان به این موضوع اشاره نموده و در مقام بررسی آن برآمده‌اند. در واقع سعی آن‌ها بر این مهم بوده که نمای کلی تأثیر رضاع در نسب را ترسیم نمایند و محدوده عملکرد آن را نشان دهند. مجموع این نظرات را می‌توان در چند دسته کلی قرار داد. آثار حقوقی که در آن‌ها هیچ اشاره‌ای به این مسئله وجود ندارد.^۱

برخی از حقوقدانان با وجود اشاره به این موضوع در ذیل ماده ۱۰۴۶ و تأکید بر اینکه نباید از این ماده تفسیر موسع ارائه نمود، اما دلیل قانع‌کننده‌ای بر این مسئله اقامه نمی‌نمایند

و تنها به استظهار از مواد مربوطه و ادله‌ای همچون بر هم خوردن نظم جامعه یا اخلاق عمومی اکتفا می‌نمایند. در واقع خواننده این آثار حقوقی به‌خوبی مبنای این نظر حقوقی را در نمی‌یابد و متوجه نمی‌شود چرا نمی‌تواند از اطلاق این ماده استفاده کند و باید به‌قدر متیقن آن بسنده نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۷؛ امامی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۹۳؛ صفایی و امامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱).

اما برخی دیگر از نویسندگان حقوقی این مسئله را ریشه‌یابی نموده و سعی بر آن داشتند که حتی‌المقدور مبنای این مسئله حقوقی را با تکیه بر منابع معتبر فقهی مورد تحقیق قرار دهند و پاسخی درخور به این سؤال حقوقی بدهند و چرایی تفسیر مضیق از این ماده را تبیین نمایند (البته تعداد این دسته از نویسندگان بسیار محدود است) (لنگرودی، ۱۳۷۶، صص ۴۰، ۴۲ و ۴۴).

بنابراین تنها راه پیش رو بررسی جامع مسئله از منظر فقهی است تا به‌خوبی محتوا و چارچوب ماده مذکور روشن گردد.

۲. بررسی فقهی

سببیت رضاع در حرمت نکاح فی‌الجمله مورد اتفاق نظر فقها اسلامی است هرچند در خصوصیات و شرایط تحقق آن اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه اخبار مستفیضه بسیاری وجود دارد که همگی بیانگر قاعده کلی در بحث حرمت نکاح به سبب رضاع هستند.

قبل از بیان هر مطلبی ضروری است روایات موجود در این زمینه بیان و محتوای آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا مرزهای رابطه رضاعی نمایان گردد. روایاتی که به‌صورت قاعده کلی بیان‌گر محدوده تأثیر رضاع هستند از این دو تعبیر خارج نیستند:^۲

الف. یَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الْقُرَابَةِ

ب. یَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ

با وجود اندک تفاوت ظاهری بین این دو تعبیر، محتوای هر دو یکسان است. البته تعبیر

اول تنها در یک روایت بیان گردیده و آن روایت عبدالله بن سنان از امام صادق است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ

يَقُولُ يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الْقَرَابَةِ (كليني، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۳۷؛ شيخ طوسي، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۹۱).

اما تعبیر دوم در روایات متعدد و فراوان بکار رفته که کوچک‌ترین تردیدی در صدور آن از معصوم وجود ندارد لذا معروف به اخبار مستفیضه‌اند؛ مانند روایت نبوی منقول از ابی جعفر (ع):

۱. رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَرَأَيْتَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَسَّرَهُ لِي فَقَالَ كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنِ فَحَلْهَا وَادَّ امْرَأَةً أُخْرَى مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غَلَامٍ فَذَلِكَ الرَّضَاعُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَكُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنِ فَحَلَّيْنِ كَانَا لَهَا وَاحِدًا بَعْدَ آخَرَ مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غَلَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ رَضَاعٌ لَيْسَ بِالرَّضَاعِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ (شيخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۷۵).

۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّضَاعِ فَقَالَ يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۱).

لازم به ذکر است ادله دال بر حرمت رضاع تنها منحصر به ادله عامه که محور اصلی این نوشتار است، نمی‌باشد. در متون روایی احادیثی وجود دارد که به صورت خاص موارد حرمت نکاح رضاعی را برمی‌شمارد. البته این موضوع منافاتی با بحث اصلی ما ندارد. برای نمونه به بعضی از این احادیث شریف اشاره می‌گردد: (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۹۷).

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَصْلِحُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ يَنْكِحَهَا عَمُّهَا وَلَا خَالَهَا مِنَ الرَّضَاعَةِ.

۲. عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَرْضَعْتُ أُمِّي جَارِيَةً بَلْبَنِي فَقَالَ هِيَ أُخْتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَحْرُمُ مِنَ الْإِمَاءِ عَشْرٌ لَا تَجْمَعُ بَيْنَ الْأُمِّ وَالْبَائِنَةِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ لَا أُمَّتَكَ وَ هِيَ عَمَّتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَ لَا أُمَّتَكَ وَ هِيَ خَالَتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَ لَا أُمَّتَكَ وَ هِيَ أُخْتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَ لَا أُمَّتَكَ وَ هِيَ ابْنَةُ أُخِيكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ.

۳. تحلیل واژه «ما» در حدیث شریف

محور بررسی محتوایی در این نوشتار حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» است و از آن جا که این قاعده عیناً نص شرعی است، بایستی به واژگان آن دقت نمود. یکی از مطالب مهم در این حدیث شریف تبیین صحیح معنای واژه «ما» است. کلمه «ما» از نظر دستوری در این حدیث شریف موصول اسمی است که در معنای آن دو احتمال وجود دارد.

عنوان اول: منظور از «ما»، فردی باشد که در حالت نسب، ازدواج با او حرام است. این احتمال خود به دو صورت متصور است:
بند اول: مراد از «ما» فردی معین و مشخص است.

بنا بر این معنا، هر شخصی که در حالت نسب، ازدواج با او حرام است، در حالت رضاع هم ازدواج با او حرام و ممنوع است. این معنا قطعاً قابل پذیرش نیست؛ زیرا شخصی که ازدواج با او نسباً حرام است، معنا ندارد ازدواج با همان شخص رضاعاً حرام باشد. به دیگر سخن ممکن نیست زنی که قصد ازدواج با مردی را دارد هم خواهر نسبی او باشد و هم خواهر رضاعی او (بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۳۰).
بند دوم: مراد از «ما» نوع آن فرد است نه شخص آن.

بنا بر این معنا «ما» کنایه از عناوین محرم در نسب مانند اخوت و بنوت و... است. به این معنا که هر عنوانی که از جهت نسب موجب حرمت است نظیر آن از جهت رضاع هم موجب حرمت است (ایروانی و موسوی خلخالی، ۱۴۱۷، ص ۲۵).

این تفسیر یکی از شایع‌ترین تفاسیر از حدیث شریف بین محققین است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۹، ص ۳۰۹)؛ بنابراین همان‌طور که عنوان خواهر رضاعی از محرّمات در نکاح محسوب است، نظیر همین عنوان در رابطه رضاعی موجب حرمت و بطلان ازدواج است؛ به‌طوری که حدیث شریف را به این بیان تعبیر نموده‌اند «یحرم من الرضاع نظیر کل عنوان من العنوانات النسبیه التي تحرم من جهة النسب» (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۲۸).

عنوان دوم: منظور از «ما» فعل و عملی است که در حالت نسب، حرام و ممنوع است. این احتمال هم به دو صورت متصور است:
بند اول: مراد از «ما» عمل نکاح است.

بنابراین معنای روایت این‌گونه است که هر ازدواجی که از جهت نسب حرام است از جهت رضاع هم حرام و باطل است. پس همان‌طور که نکاح با مادر نسبی حرام و ممنوع است ازدواج با مادر رضاعی هم حرام و ممنوع است.

بند دوم: مراد از «ما» مطلق عمل است (ایروانی و خلخالی، ۱۴۱۷، ص ۲۵).

بنابراین معنا هر عملی که از جهت نسب حرام و ممنوع است، همان عمل از جهت رضاع هم حرام است؛ از جمله ازدواج، اما حرمت مذکور منحصر به نکاح نیست و شامل هر عمل دیگری که در حال نسب محرم و ممنوع است می‌شود.^۳ البته در مقابل، بعضی از فقها با این نظریه مخالفت نموده و معتقدند محدوده این حدیث شریف تنها نکاح و دیگر اعمالی است که دلیل خاص بر آن اقامه گردیده است (مثل اعتقاد)؛ بنابراین در دیگر اعمال ممنوع در عناوین نسبی باید تفسیر مضیق نمود و دامنه آن را در همان حوزه نسب محدود نمود؛ مثلاً در حالت نسب قصاص پدر به سبب قتل فرزند نسبی اش ممنوع است و یا اجرای حد سرقت برای پدری که اموال فرزندش را ربوده ممنوع و غیرمجاز است، حال آیا همین احکام ممنوع در نسب، برای حالت رضاع هم جاری و ساری است؟ مخالفین معتقدند دلیلی برای این توسعه وجود ندارد و نمی‌توان به این حدیث شریف در این موارد استناد نمود.^۴

نظر نهایی: از میان تفاسیر مذکور تفسیر سابق (که کلمه «ما» را ناظر به نوع می‌دانست) و اخیر (که کلمه «ما» را ناظر به فعل نکاح و افعال دیگری که دلیل خاص بر آن اقامه گشته، می‌دانست) صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ بنابراین، حدیث شریف به‌حسب اطلاق موصول و صله‌اش در مقام بیان این مطلب کلی است که رضاع قائم‌مقام و نازل منزل نسب در همه احکام تحریمی مترتب بر آن است، چه حکم تحریمی نکاح و چه غیر آن (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۴، ص ۱۴۲؛ علامه حلی، ص ۳۰۸؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۷؛ نراقی، ۱۴۱۵، ص ۲۷۶؛ الشهید الثانی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۴؛ الشهید الثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۳۴۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۵، ص ۲۹۱).

۴. آراء فقهی در تأثیر رضاع

بعد از بیان نکات فوق پیرامون حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» ضروری

است به مسئله اصلی این نوشتار پرداخته شود.

همان‌طور که سابقاً گذشت در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» رضاع قائم‌مقام نسب در تمامی احکام مترتب بر آن گشته به طوری که اگر در نسب، در رابطه با موردی حکم به حرمت نکاح باشد در معادل رضاعی آن هم حکم به حرمت و ممنوعیت نکاح است.

سؤال اصلی این است که محدوده این قائم‌مقامی تا به کجاست آیا در تمامی مواردی که در رابطه نسبی نکاح باطل است در رابطه رضاعی معادل آن هم ازدواج حرام و باطل است؟ یا می‌توان برای آن محدودیتی در نظر گرفت به طوری که موردی باشد از نظر نسبی ازدواج حرام باشد اما در معادل رضاعی آن ازدواج دارای مشکل و ممنوعیتی نباشد.

پاسخ به این سؤال در این مسئله نهفته است که آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» ناظر به عناوین هفتگانه نسبی در آیه ۲۳ سوره نساء است؟

در آیه شریفه ۲۳ سوره نساء خداوند متعال عناوین محرمه نسبی در نکاح را این‌گونه

بیان می‌فرماید:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.

در این آیه شریفه حضرت حق افرادی که با آنها نسبتاً ازدواج حرام و ممنوع است را

بیان می‌نماید که عبارت‌اند از: مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دخترخواهر، دختر برادر.

۵. آرا و نظرات

۱-۵. عنوان اول: نظریه انحصار

بنا بر این نظر (نظر مشهور) (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۰۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۴۹؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۲۸؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ص ۲۸۸؛ بحر العلوم، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۳۰؛ خوانساری، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۷۸؛ کرکی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۳،

ص ۱۲۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ص ۱۶۰؛ فاضل هندی، ۱۴۲۳، ص ۱۴۶؛ سید طباطبایی، ۱۴۱۲، ص ۱۵۴)، تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف منحصر به عناوین هفتگانه محرم مصرح در آیه شریفه است و در غیر آن موارد رضاع مؤثر نیست و موجب نشر حرمت نمی‌گردد؛ بنابراین نظریه قاعده رضاع دارای محدودیت است و فقط در مواردی قابل اعمال است که مورد رضاعی ما دقیقاً معادل مورد نسبی مصرح باشد یعنی همان عناوین هفتگانه نام برده شده در آیه شریفه سوره نساء (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۲۸؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۶)؛ در نتیجه در مقام اعمال قاعده رضاع بر طبقات محارم نسبی، محارم رضاعی بدین شرح هستند:

۱. پدر و مادر و اجداد و جدات رضاعی هر قدر که بالا برود.
۲. اولاد رضاعی هر قدر که پایین برود.
۳. برادر و خواهر رضاعی و اولاد آنها هر قدر که پایین برود.
۴. عمات و اعمام و احوال و خالات رضاعی خود و پدر و مادر و اجداد و جدات.

۲-۵. عنوان دوم: نظریه تعمیم

بنابراین نظر، تنزیل رضاع به نسب به حسب اطلاق حدیث (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ص ۵۵۴؛ نجفی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۳) محدود به عناوین هفتگانه مصرح در آیه شریفه سوره نساء نیست^۵ و شامل عناوین دیگری که در سوره نساء از آن نامی به میان نیامده اما ملازمه دائمی با آن عناوین محرمه دارد هم می‌شود.^۶

برای تبیین هرچه بهتر این دو دیدگاه و افتراق آنها از یکدیگر بیان مقدمه‌ای ضروری است.

پیش‌فرض این دو نظر این است که افرادی در حالت نسب وجود دارند که قطعاً ازدواج با آنها حرام و ممنوع است، اما تفاوت این دو نظر اینجا نمایان می‌شود که بنا بر نظر اول قاعده رضاع شامل این افراد نمی‌گردد و رضاع نسبت به آنها موجب نشر حرمت نمی‌شود؛ بنابراین ازدواج با آنها بلامانع است. در حالی که بنا بر نظر دوم قاعده رضاع نسبت به آنها جاری است؛ در نتیجه ازدواج با آنها در حالت رضاع حرام و ممنوع است. این اختلاف زمانی رخ می‌دهد که عنوان مشترک در حالت نسب و رضاع از عناوین هفتگانه محرم سابق‌الذکر نباشد ولی باین وجود از مصادیق افرادی باشد که در حالت نسب ازدواج

با آن‌ها حرام و ممنوع است و معادل همین عنوان به صورت رضاعی تحقق یابد. باید در اینجا به نکته‌ای مهم اشاره داشت، چنین ملازمه‌ای بین نسب و رضاع بنا بر این دیدگاه، مستلزم این است که عناوین محرم غیر مصرح در نسب دارای حرمت همیشگی باشند. این مطلب زمانی محقق است که عناوین مورد نظر تلازم دائمی با یکی از عناوین محرم مصرح داشته باشند. مثل عنوان «خواهر فرزند» که یا در ضمن دختر نسبی محقق است یا در ضمن عنوان ربیبه (دختر همسر). لذا مواردی که امکان انفکاک از عناوین محرمه در آن‌هاست مثل عنوان «خواهر برادر»، حتی بنا بر دیدگاه تعمیم از بحث تنزیل حدیث شریف خارج است. چون «خواهر برادر» گاهی خواهر برادر دیگر هم است. در این صورت ازدواج برادر دیگر با او قطعاً حرام است و گاهی خواهر برادر دیگر نیست در این صورت یقیناً ازدواج با او حرام نیست؛ مثلاً اگر حسن دارای برادر امی باشد و آن برادر دارای خواهر ابی باشد هرچند آن دختر، خواهر برادر حسن است اما ازدواج حسن با او حرام نیست؛ پس عنوان خواهر برادر گاهی در حالت نسبی موجب حرمت نکاح است و گاه نه. در این صورت معادل رضاعی این عنوان یعنی «خواهر رضاعی برادر» نمی‌تواند دارای حرمت باشد چون عنوان خواهر نسبی برادر از عناوینی نیست که دائماً موجب حرمت ازدواج باشد تا به ملازمه حدیث شریف این حرمت در حالت رضاع ثابت گردد. بنابراین این قسم از عناوین، از محل بحث ما در تنزیل رضاع به نسب خارج است و مورد ما منحصر در عناوینی است که دائماً با یکی از عناوین محرم ملازمه داشته باشد (ایروانی و خلخالی، ۱۴۱۷، ص ۳۵).

حال به نمونه‌هایی از این عناوین اختلافی بین این دو نظریه که در کتب فقهی از آن‌ها نام برده شده، اشاره می‌شود (کرکی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۴۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۱۴۶؛ ایروانی و خلخالی، ۱۴۱۷، ص ۳):

۵-۲-۱. عنوان «مادر برادر یا خواهر» (امّ اخ و امّ اخت)

این عنوان از عناوین محرم بالذات در نکاح نیست و نامی از آن در میان عناوین هفتگانه که ازدواج با آن‌ها حرام و ممنوع است، نیامده ولی باین‌وجود ازدواج با چنین فردی که معنون به این عنوان است در حالت نسب حرام است.

حال این پرسش مطرح است اگر زنی پسری را شیر دهد، آیا ازدواج برادر نسبی آن پسر با آن زن حرام است یا خیر؟ چون این زن مادر برادرش است و معادل نسبی آن هرچند از عناوین محرم بالذات نیست ولی نکاح با او حرام و ممنوع است، که در این صورت مصداق ذیل حدیث شریف «مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» است. آیا باین وجود بنا بر صدر آن حدیث (يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ) معادل رضاعی آن هم حرام و ممنوع است یا خیر؟

۲-۲-۵. عنوان «مادر نوه پسری یا دختری» (امّ الحفید و امّ الحفیده)

این عنوان هم از عناوین محرم بالذات نیست. حال اگر زنی نوه پسری یا دختری شخصی را شیر دهد، آیا ازدواج پدربزرگ نسبی مرتضع با آن زن حرام است یا خیر؟ چون این زن مادر رضاعی نوه این شخص است که در حالت نسب ازدواج با او قطعاً ممنوع است. آیا بنا بر تنزیل حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» معادل رضاعی آن هم حرام و ممنوع است یا خیر؟

۳-۲-۵. عنوان «مادر عمه یا عمو» (امّ العم و العمه)

این عنوان هم از عناوین محرم بالذات نیست. حال اگر زنی عمه یا عمو شخصی را شیر دهد، آیا ازدواج آن شخص با مرضعه که مادر رضاعی عمه یا عمو محسوب است مجرای حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» است یا خیر؟ همین مطلب در رابطه با «مادر خاله یا دایی» هم صادق است.

۴-۲-۵. عنوان «خواهر فرزند» (اخت الولد)

این عنوان هم از عناوین محرم بالذات نیست. حال اگر زنی پسر شخصی را شیر دهد و آن زن یا شوهر او (صاحب اللبن) دارای دختر باشد، آیا ازدواج پدر آن پسر با آن دختر که بر او عنوان «خواهر فرزند» او صدق می‌کند حرام است یا خیر؟ چون عنوان «خواهر فرزند» قطعاً نسباً حرام و مصداق ذیل حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» است. در حقیقت پاسخ قطعی به این مسائل منوط به جواب به این سؤال اساسی است که: آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف منحصر به عناوین و موارد مصرح در حرمت

نکاح است یا شامل عناوین دیگری که از آن‌ها نامی به میان نیامده هم می‌شود؟ به دیگر سخن ملازمه برقرار شده در حدیث شریف بین حرمت نسبی و حرمت رضاعی (يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ) آیا تنها متوقف بر آن است که در ناحیه نسب حرمتی در نکاح ثابت گردد تا معادل آن در ناحیه رضاع هم حرمت و ممنوعیت محقق شود؟ یا علاوه بر آن باید حرمت مذکور در عناوین محرم مصرح در نسب باشد تا در موارد رضاع موجب نشر حرمت شود؟

بدیهی است که تفاوت بنیادی بین این دو سؤال وجود دارد. در حالت اول در تمامی موارد حرمت نسبی، حرمت رضاعی هم محقق است؛ یعنی هر موردی که نسبتاً ازدواج حرام و باطل باشد، معادل همان مورد در حالت رضاع، نکاح حرام و ممنوع است. لذا هیچ موردی نیست که دارای حرمت نسبی باشد، ولی در همانند آن در حالت رضاع، نکاح صحیح باشد؛ اما در حالت دوم بین حرمت نسبی و رضاعی ملازمه صددرصدی نیست؛ یعنی می‌توان موردی را یافت که از نظر نسبی ازدواج حرام و باطل است اما همانند رضاعی آن هیچ ایرادی ندارد و این زمانی رخ می‌دهد که مورد محرم نسبی از عناوین محرم بالذات نباشد.

۶. ادله و براهین نظرات

با روشن شدن دقیق صورت مسئله و نظرات و آرا موجود، این پرسش مطرح است، آیا عموم یا اطلاق تنزیل رضاع به نسب، در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» شامل عناوین غیر مصرح است یا منحصر به عناوین محرم مصرح؟ که در این صورت فقط مواردی از رضاع مشمول حرمت نکاح است که تحریم ازدواج در معادل نسبی آن، محرم بالذات باشد.

بررسی و تحقیق در رابطه با این سؤال بنا بر شیوه مرسوم تحقیقات فقهی در دو مرحله امکان انجام دارد، یکی به حسب مقتضای اصل و قاعده و دیگری به حسب مقتضای ادله و نصوص شرعی. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود از منظر ادله و نصوص شرعی است. مقتضای ادله اجتهادی صدر این خصوص، صحت نکاح در موارد تردید است. چون عمومات موجود، مقتضای جواز ازدواج با هر زنی است به جز افرادی که حرمت نکاح نسبت به آن‌ها تصریح شده است؛ مثلاً در آیه ۲۴ سوره نساء بعد از بیان افرادی که با آن‌ها

ازدواج، حرام و ممنوع است می‌فرماید: «...وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ...» یعنی ازدواج با هر زنی غیر از آن که ذکر شد، حلال و جایز است. یا در آیه ۳۲ سوره نور جواز ازدواج با همه زنان را بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ» الایامی جمع ایم است؛ یعنی زنی که شوهر ندارد، چه باکره باشد و چه ثیب؛ و یا در آیه ۳ سوره نساء در جواز ازدواج از لفظ ما که از ادات عموم است و شامل هر زنی می‌گردد استفاده می‌نماید و می‌فرماید: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ».

بنابراین اگر نسبت به عنوانی تردید شود و جز افرادی که ازدواج با آن‌ها ممنوع گردیده، نباشد عمومات مقتضی صحت ازدواج است (کرکی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۷)؛ چون هر زمان در مقدار مخصّص منفصل مردّد بین اقل و اکثر شک و تردید شود، طبق ضوابط اصولی، تمسک به عمومات صحیح و جواز ازدواج در موارد مشکوک ثابت است. به دیگر سخن مورد بحث ما از نوع مخصّص منفصل مجمل مفهومی مردد بین اقل و اکثر است و در چنین مواردی قاعده، رجوع به عمومات است.

توضیح آنکه ادله‌ای (قرآن و سنت) وجود دارد که به‌صورت عام بیانگر جواز ازدواج با هر زنی است. در مقابل، ادله‌ای دیگر به‌صورت مخصّص، دایره این تجویز را محدود می‌نماید. این ادله محدودکننده در واقع مخصّصات آن عمومات محسوب بند مانند عناوین محرّم در آیه ۲۳ سوره نساء. در این آیه شریفه مخصّصات جواز نکاح به‌صورت منفصل بیان گردیده که در بخش محرّمات رضاعی آن تردید و اختلاف ایجاد شده است. این تردید ناشی از اجمال مفهومی در این بخش است. بی‌شک این اجمال موجب اجمال در مقدار مخصّص از جواز نکاح است که آیا مخصّص محدود به موارد هفتگانه مصرّح است یا بیش از آن را هم شامل است. در واقع مخصّص بین اقل و اکثر مردد است در چنین مواردی اصولیون به‌قدر متیقن مخصّص اکتفا نموده و از گسترش دامنه آن خودداری می‌نمایند و در موارد مشکوک به عموم ادله موجود استناد می‌کنند. چون موارد مشکوک قطعاً داخل در عمومات هستند و خروج آن توسط مخصّص ثابت نگردیده، لذا ظهور عام، معارض و مزاحمی ندارد و قابل تمسک است؛ بنابراین در رابطه با موارد رضاعی که منطبق بر عناوین مصرّح نیست، عموم ادله جواز نکاح، حاکم است (مظفر، ۱۴۲۰، ص ۱۴۸؛ خویی، ۱۳۳۸، ص ۳۱۵؛ فیاضی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۱).

مقتضای احادیث وارده

آن دسته از فقهای که معتقدند حرمت نکاح در رضاع منحصر به عناوین محرم مصرح نیست و شامل عناوینی که ملازمه دائمی با عناوین محرم بالذات دارند هم می‌شود، بر اثبات مدعای خود به دو دسته از احادیث استناد می‌جویند:

۱-۶. عنوان اول: مقتضای حدیث عام «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ»

یکی از راه‌های کشف مراد یک گوینده، استفاده از اطلاق کلامی اوست که به شدت در محاورات عرفی ما مشهود است، به طوری که در احتجاج‌های خود به این امر مورد تأیید سیره عقلا استناد می‌نماییم. سخنان شارع حکیم هم از این قاعده عقلایی مستثنا نیست؛ لذا اطلاق نصوص شرعی اعم از قرآن و روایات ارزشی همانند منطوقات دارند و مورد استنادند.

در این حدیث شریف هم اطلاق کلامی وجود دارد که قابل اعتنا و توجه است. این اطلاق می‌تواند کاشف مراد شارع در محرمات رضاعی باشد. با توجه به این مطلب، اطلاق صله در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» شامل همه عناوین است و منحصر به عناوین محرم مصرح نیست. به این معنا که طبق ذیل حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» هر کس که از جهت نسب ازدواج با او حرام است از جهت رضاع هم ازدواج با او حرام و ممنوع است. پس همان‌طور که ازدواج با «مادر نسبی» و یا «مادر نسبی برادر» حرام است ازدواج با «مادر رضاعی» و یا «مادر رضاعی برادر» هم حرام و ممنوع است و دیگر فرقی نمی‌کند این عنوان جزو عناوین محرم مصرح است یا نه؟ به دیگر سخن، حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» محدوده حرمت نکاح در حالت رضاع را مبتنی بر محرمات نسبی ننموده، لذا کافی است مورد رضاع معادل مورد محرم نسبی باشد که در این صورت حرمت ازدواج ثابت است.

بنابراین در این حدیث شریف برای موارد حرمت نسبی، هیچ قیدی بیان نشده که باید از عناوین محرم مصرح باشد. بلکه به طور مطلق آمده هر جا از جهت نسب، حرمتی برای نکاح ثابت است، همان مورد از جهت رضاع حرام و ممنوع است. در نتیجه با وجود چنین اطلاقی در این حدیث شریف، منحصر نمودن آن به موارد محرم مصرح خلاف منطوق اصولی است و باید با تفسیر موسع، دامنه حرمت رضاعی را فراتر از عناوین مذکور در

نصوص شرعی دانست و هر موردی که در حالت نسب حکم به حرمت آن می‌شود، در حالت رضاع هم چنین حکم تسری یابد.

۲-۶. نقد و بررسی

هرچند استناد به اطلاقات کلامی از مسلمات و مورد تأیید سیره عقلایی است و در نصوص شرعی همیشه مورد تمسک بوده، اما در مورد این حدیث شریف نکاتی وجود دارد که استناد به این اطلاق را کم‌رنگ و ضعیف می‌نماید.

اولاً این نحوه تفسیر از روایت شریف مبتنی بر آن است که واژه «ما» موصول، به معنای اشخاص باشد. به این معنا که هر شخصی که از جهت «نسب»، ازدواج با او جایز نیست از جهت رضاع هم ازدواج با او صحیح نیست و از آنجاکه ازدواج با «مادر نسبی برادر» حرام است، ازدواج با «مادر رضاعی برادر» هم ممنوع و حرام است.

این تفسیر با این مشکل مواجه است که بر فرضی که منظور از «ما» موصول، اشخاص باشد بی‌شک منظور «نوع» اشخاص است نه فرد آن مانند، بنوت، اخوت، اموت... که در این صورت حدیث شریف فقط ناظر به عناوینی خواهد بود که بالذات محور حرمت نکاح در نسب‌اند، که همان عناوین محرم مصرح در نصوص خواهد بود؛ زیرا حکم حرمت در چنین مواردی حکمی تعبّدی است که تنها راه دست‌یابی به آن، مراجعه به نصوص شارع حکیم است و در این رابطه چیزی جز عناوین هفتگانه مصرح در آیه ۲۳ سوره نساء، وجود ندارد. پس مستند هر حرمتی در نکاح همان عناوین است و تعلیل حرمت دیگر عناوین، مستلزم ارجاع به همین عناوین مصرح در نصوص شرعی است. در غیر این صورت عناوین محرم نمی‌بایست منحصر در هفت مورد باشد.^۷ بنابراین، این عناوین غیر مصرح نمی‌توانند مراد از ما موصول در حدیث شریف باشند.

و اگر مراد از ما موصول هر عمل حرام در نسب مثل نکاح باشد، بدیهی است در این حالت هم بنا بر همان توضیح سابق، موارد حرمت نکاح در نسب را باید در عناوین محرم مصرح بالذات جستجو نمود، یعنی محرماتی که در شریعت مقدس به صورت قضایای حقیقه ثابت است. این امر مختص به عناوین مذکور در نصوص شرعی است، نه عناوین ملازم با عناوین محرم که در هیچ‌یک از ادله شرعی تحریم نکاح، نامی از آن‌ها به میان نیامده است.

توضیح بیشتر آنکه: دلیل حرمت نکاح در چنین عناوینی فقط به خاطر ملازمه دائمی که با عناوین محرم بالذات دارند، می‌باشد (که سابقاً این موضوع به‌عنوان یکی از شروط در این نوع عناوین مطرح گردید) و صدق خود این عناوین هیچ تأثیری در جریان حکم حرمت ندارد و باید در ضمن این عناوین، عنوان محرم بالذات دیگری احراز گردد، تا حکم به حرمت نکاح گردد (کرکی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۴۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ص ۱۶۰؛ بجنوردی، ۱۳۷۱، ص ۳۶۳؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۲۴).

یعنی آنکه حرمت نکاح در این دسته از عناوین، حرمت «عرضی» است نه «ذاتی»؛ مثلاً در حرمت نکاح با «مادر برادر»، یا باید عنوان «مادر نسبی» صدق نماید یا عنوان «زوجه پدر» و الا حکم به حرمت نکاح نخواهد شد. لذا ضروری است در این موارد، حرمت عرضی بنا بر قاعده فلسفی «کلّ عرضی معلّل» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۷۸) به حرمت ذاتی ارجاع داده شود تا استحاله تسلسل در احکام متفی گردد. تنها منبع حرمت ذاتی که می‌تواند مستند این حرمت عرضی قرار گیرد، عناوین محرم مصرّح در قرآن است. چون حرمت این عناوین بنا بر قاعده فلسفی «ذاتی کل شیء لم یکن معللاً» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۲) مستلزم اثبات حرمت امر دیگری نیست؛ بنابراین وقتی تمام معیار در حرمت نکاح در «مادر برادر» احراز عناوین محرم بالذات «مادر نسبی» یا «زوجه پدر» است، قطعاً معادل این عناوین ملازم در «مادر رضاعی برادر» احراز نمی‌گردد. زیرا «مادر رضاعی برادر» نه «مادر رضاعی» و نه «زوجه پدر» برادر دیگر است؛ و از طرفی عنوان «مادر رضاعی برادر» در جریان حکم حرمت بی‌تأثیر است؛ چون معادل نسبی آن هیچ نقشی در اثبات ممنوعیت ازدواج ندارد. حال چگونه می‌توان بنا بر عنوان «مادر رضاعی برادر» و استناد به اطلاق حدیث شریف حکم به حرمت نکاح با چنین زنی نمود؛ بنابراین خروج این دسته از عناوین غیر مصرّح از ذیل قاعده رضاع مستنبط از حدیث شریف، خروج تخصصی است نه تخصیصی، چنانچه برخی از فقهاء^۸ و مفسرین^۹ بر این باورند.

مضافاً در این عناوین غیر مصرّح، عاملی که باعث حرمت دائمی در حالت غیر رضاع است تنها نسب نیست. بلکه عامل حرمت در این موارد، هم نسب و هم مصاهره است؛ مثلاً در عنوان «مادر برادر» حرمت دائمی آن از این جهت است که آن زن یا مادر نسبی است، که در این صورت عامل حرمت ارجاع به عناوین محرم مصرّح در نسب است و یا اینکه آن

زن زوجه پدر است، که در این صورت عامل حرمت، مصاهره است. پس حرمت این عناوین ناشی از نسب و مصاهره توأماً است و قطعاً ادله رضاع بنا بر مضمون و محتوای آن تنها قائم مقام نسب است نه مصاهره (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۵، ص ۳۰۵).

به دیگر سخن اگر قرار باشد به اطلاق روایت عمل شود تنها در حوزه نسب کارایی دارد نه مصاهره؛ و حرمت چنین عناوینی به صورت دائمی در حالت غیر رضاع در گروهی نسب و مصاهره است و ادله رضاع تنها بخش نسب را شامل و در آن موثر است؛ بنابراین معادل رضاعی چنین عناوینی نمی تواند حرمت دائمی داشته باشد.

جمع بندی

همان طور که بیان شد در سببیت رضاع در حرمت نکاح، دو بحث اساسی مطرح است: ۱. محدوده تأثیر رضاع در حرمت نکاح ۲. ارکان و شرایط تحقق رضاع، اما سؤال اصلی و مهم در این جستار این است که قاعده رضاع نسبت به چه روابط نسبی عامل نشر حرمت است؟ از ظاهر روایات و ماده قانونی چنین مستفاد است که دایره تأثیر رضاع، محرمات نسبی است؛ یعنی هر ازدواجی که در حوزه روابط نسبی ممنوع است در معادل و نظیر رضاعی آن هم حرام و باطل است؛ اما مسئله مهم در این رابطه محدوده این تأثیر است؛ مثلاً اگر زنی پسری را با شرایط خاص شیر دهد این زن مادر رضاعی او محسوب است، اما آیا ازدواج برادر نسبی آن پسر با آن زن (مرضعه) حرام است؟ به دیگر سخن این زن که مادر رضاعی طفل است، به منزله مادر رضاعی برادر او نیز هست؟ تا ازدواج با او حرام و ممنوع باشد؟ چون در چنین حالتی در روابط نسبی قطعاً ازدواج حرام است. به دیگر سخن آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» منحصر به عناوین و محرم مصرح در نصوص شرعی است یا شامل عناوین دیگری که از آنها نامی به میان نیامده ولی باین وجود در حرمت نکاح آن در نسب تردید وجود ندارد هم می شود. بعد از بررسی و تحقیق جامع در این خصوص به این نتیجه رسیدیم این حرمت دارای محدودیت است و همه حالات محرم نسبی را شامل نمی گردد در نتیجه از ماده قانونی نیز باید تفسیر مضیق نمود.

یادداشت‌ها

۱. در این رابطه می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود:
 ۲. تحلیل فقهی حقوق خانواده اثر دکتر محقق داماد، حقوق خانواده در قنون مدنی جمهوری اسلامی ایران اثر سید علی محمد یثربی، حقوق خانواده اثر دکتر علی شریف.
 ۲. محدث کبیر حرعاملی در کتاب گرانسنگ وسائل شیعیه بخشی را تحت عنوان «ابواب ما یحرم بالرضاع» مختص به بحث رضاع قرار داده که باب اول آن در رابطه با احادیثی است که در بیان قاعده کلی رضاع است که مشتمل بر ۱۰ است. شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۱ به بعد.
 ۳. بنا بر این همان طور که تملک پدر و مادر نسبی حرام است همان طور هم تملک پدر و مادر رضاعی حرام و ممنوع است. این مطلب موید به روایات متعددی است از جمله:
 ۱. صحیح عبدالله سنن از امام صادق ع. «قال مُحَمَّدُ بْنُ يُعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانَ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سُئِلَ وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنْ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ غُلَامًا مَمْلُوكًا لَهَا مِنْ لَبَنِهَا حَتَّى فَطَمَتْهُ هَلْ لَهَا أَنْ تَبِيعَهُ فَقَالَ لَا هُوَ ابْنُهَا مِنَ الرِّضَاعَةِ حَرَّمَ عَلَيْهَا بَيْعُهُ وَ أَكْلُ ثَمَنِهِ ثُمَّ قَالَ أَلَيْسَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۰۵.
 ۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ أَبِي الْعَبَّاسِ وَ عُبَيْدِ كُلِّهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا مَلَكَ الرَّجُلُ وَالِدِيهِ أَوْ أُخْتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ أَوْ خَالَتَهُ أَوْ بِنْتَ أُخِيهِ أَوْ بِنْتَ أُخْتِهِ وَ ذَكَرَ أَهْلَ هَذِهِ الْآيَةِ مِنَ النِّسَاءِ عَتَّقُوا جَمِيعًا وَ يَمْلِكُ عَمَّهُ وَ ابْنَ أُخِيهِ وَ ابْنَ أُخْتِهِ وَ الْخَالَ وَ لَا يَمْلِكُ أُمَّهُ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ لَا أُخْتَهُ وَ لَا عَمَّتَهُ وَ لَا خَالَتَهُ إِذَا مَلَكَ عَتَّقَنَ وَ قَالَ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَإِنَّهُ يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ...» حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۲۴۷ چنانچه از این احادیث مستفاد است حضرت به اطلاق (ما یحرم من الرضاع...) حکم به بطلان فروش فرزند رضاعی و عدم تملک مادر رضاعی نموده همان طور که فروش فرزند نسبی یا تملک مادر نسبی مردود است.
 ۴. یکی از مخالفین این دیدگاه محقق میرزا حسن بجنوردی است. ایشان در نقد این نظر می‌فرماید: «و من جملتها: عدم قود الوالد بقتل ولده، فإنه فی الولد نسبا لا یقتل الوالد إن قتل ولده، و إن ثبت ذلك بیئنة أو إقرار، و لكن الأب الرضاعی لو قتل ابته الرضاعی أو بنته یقتل بهما. و من جملتها: أن الوالد نسبا لا یقطع یده بسرقة مال ولده نسبا، و لكن الأب الرضاعی لو سرق مال ولده الرضاعی یقطع...»

السرّ فی ذلك كلّه: أنّ الأدلّة الدالّة علی هذه الأحكام رتبّ فیها هذه الأحكام علی نفس هذه العناوین، و هذه العناوین إمّا حقیقة فی خصوص ما إذا كانت حاصلّة من النسب- و استعمالها فی الإضافة الحاصلة من الرضاع یكون بالعیانة و برعیانة مع المعنی الحقیقی، فتكون الحاصلة من الرضاع خارجة عن تحت تلك المفاهیم و لا تشملها- أو تكون تلك المفاهیم منصرفه عن الحاصلة من الرضاع، و إن قلنا بأنّها حقیقة فیها أيضا. و قوله صلی الله علیه و آله: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» فالظاهر منه أنّ التنزیل بلحاظ حرمة النکاح فقط؛ و فی ترتّب غیر حرمة النکاح من آثار هذه العناوین إذا كانت حاصلّة من النسب علی الحاصلة من الرضاع یحتاج إلى وجود دلیل خاصّ يدلّ علیه، كما ادّعیناه فی الاعتقاد إذا ملکهن» موسوی بجنوردی القواعد، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۹۴.

۵. یکی از طرفداران جدّی نظریه تعمیم علامه محقق عماد میر محمد باقر مشهور به داماد است. ایشان در رساله خود به نام «ضوابط الرضاع» از این دیدگاه به شدت دفاع مینماید. به نقل از بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۳ ص ۳۸۶.

۶. فقیه عالی مقام ابن ادریس در اثر معروف خود سرائر با پذیرش این دیدگاه در مورد عنوان «ام ام ولد» که قطعا از عناوین محرم نسبی مصرّح در قرآن نیست معتقد به حرمت نکاح در معادل رضاعی آن است، چون این عنوان در حالت نسب موجب حرمت است؛ پس بنا بر عموم تنزیل در حالت رضاع هم نکاح حرام و ممنوع است. «والذی یقتضیه مذهبنا، أنّ أمّ أمّ ولده من الرضاع محرمة علیه، كما أنّها محرمة علیه من النسب، لأنّه أصل فی التحريم من غیر تعلیل.» ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۵۴ البته ایشان در دیگر عناوین غیر مصرّح چنین نظری را ندارد، که همین اضطراب در مبنا مورد اعتراض دیگر فقهاء قرار گرفته است. علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۲.

۷. یکی از مخالفین سرسخت نظریه تعمیم از منظر دلیل عام «یَحْرُمُ مِنَ الرُّضَاعِ مَا یَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» محقق بحرانی است. ایشان در نقد و ردّ نظر «محقق عماد» در رساله «ضوابط الرضاع» به تفصیل مسئله را مطرح می نماید. بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۳ ص ۳۸۸.

۸. علامه حلی در زمره کسانی است که معتقد به خروج تخصیصی عناوین محرم غیر مصرّح هستند (تذکره الفقهاء، بی تا، ج ۲، ص ۶۱۴). البته نظر ایشان مورد انتقاد دیگر فقهاء واقع گردیده است. زراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ص ۲۷۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۲۲.

۹. مفسّر شهیر زمخشری در تفسیر معروف خود ذیل آیه شریفه ۲۳ سوره نساء دیدگاه تخصیص را در این رابطه بیان می نماید (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱۶) اما در مقابل مفسّر بزرگ فاضل مقداد در ردّ این دیدگاه نقدی عالمانه بر آن وارد می کند (فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۲، ص ۱۸۲).

کتابنامه

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی تا)، کتاب الرضاع، بی جا: چاپ در ضمن قطرات من یراع بحر العلوم.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۰ش)، قواعد کلی فلسفی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۲.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۷ش)، حقوق مدنی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ج ۱۴.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ۱.
- ایروانی، محمدتقی و سید محمد مهدی موسوی خلخالی (۱۴۱۷ق)، احکام الرضاع فی فقه الشیعة، المنیر للطباعة والنشر، ج ۱.
- بحرالعلوم، سید محمد (۱۳۶۲ش)، بلغة الفقیه، ایران: مکتبه الصادق، ج ۴.
- بحرانی، یوسف (۱۳۶۳ش)، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶ش)، حقوق خانواده، تهران: گنج دانش، ج ۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، تذکرة الفقهاء، بی جا: مکتبه المرتضویة، چاپ سنگی.
- همو (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- همو (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- خوانساری، سید احمد (۱۳۶۴ش)، جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق، ج ۲.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۸ش)، اجود التقريرات، قم: انتشارات مصطفوی، ج ۲.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ج ۳.
- سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق)، کفایه الفقه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- شریف علی (۱۳۷۷ش)، حقوق خانواده، نشر دنیای نو، ج ۱.
- الشهید الثاني، زین الدین بن علی (۱۳۹۸ق)، شرح اللمعة، نجف: منشورات جامعة النجف الدینیة، ج ۲.
- همو (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ج ۱.

- صدوق، محمد بن علي (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: النشر الاسلامي.
- صفایي، سيد حسين و امامي، اسدالله (١٣٧٤ش)، حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران، ج ١.
- طباطبایي، سيد علي (١٤١٢ق)، رياض المسائل في بيان الاحكام بالادلة، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ج ١.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ج ١.
- طوسي، محمد بن حسن (١٣٥١ش)، المبسوط، تهران: المكتبة المرتضوية.
- همو (١٣٦٥ش)، تهذيب الاحكام، تهران: دار الكتب الاسلامية.
- عاملی، سيد محمد (١٤١٣ق)، نهاية المرام، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ج ١.
- الفاضل الهندي، محمد بن تاج الدين (١٤٢٣ق)، كشف اللثام، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ج ١.
- فياضی، محمد اسحاق (١٤١٧ق)، محاضرات في اصول الفقه، قم: انصاريان، ج ٤.
- كاتوزيان، ناصر (١٣٧٥ش)، حقوق مدني (حقوق خانواده)، تهران: شركت انتشار، ج ٤.
- كركي، علي بن حسين (١٤٠٨ق)، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم: مؤسس آل البيت، ج ١.
- همو (١٤٠٩ق)، رسائل، قم: مكتبة آيت الله مرعشي، ج ١.
- كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٥ش)، الكافي، تهران: دار الكتب الاسلامية.
- محقق داماد، سيد مصطفي (١٣٦٨ش)، بررسی فقهي حقوق خانواده، نشر علوم اسلامي، ج ٣.
- مدني، سيد جلال الدين (١٣٨٥ش)، حقوق خانواده، تهران: پايدار، ج ١.
- مظفر، محمدرضا (١٤٢٠ق)، اصول الفقه، قم: اسماعيليان، ج ٥.
- مقدس اردبيلي، احمد (بي تا)، زبدة البيان في احكام القرآن، ايران: المكتبة الجعفرية، ج ١.
- موسوي بجنوردي، ميرزا حسن (١٣٧١ش)، القواعد الفقهية، قم: اسماعيليان، ج ٢.
- نجفي، محمدحسن (١٣٦٥ش)، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، تهران: دار الكتب الاسلامية، ج ٢.
- نراقي، احمد (١٤١٥ق)، مستند الشيعة، قم: مؤسس آل البيت، ج ١.
- يثيري، محمدعلي (١٣٧٦ش)، حقوق خانواده (در قانون مدني جمهوري اسلامي)، سازمان تبليغات اسلامي، ج ١.